

**واسطه‌گری
سخت نیست؟**

برای همه نمی شود واسطه‌گری کرد. بعضی‌ها بد می‌دانند که برای دخترشان خواستگار بفرستی یا حتی فکر می‌کنند یکی را فرستاده‌ای که در شأن آن‌ها نیست و به عمد این کار را کرده‌ای در حالی که من نظرم این است که باید شرایط هم را بررسی کنند. سوء تفاهم و کدورت به خصوص برای خانواده‌هایی که دختران سن بالا دارند خیلی پیش می‌آید ولی من به خاطر ثوابی که دارد پای کار مانده‌ام. از طرفی، فردی هم که واسطه‌گری می‌کند نباید با سلیقه شخصی کار کند. باید دیانت و اخلاق داشته باشد که موارد خوب را برای آشنایان خود دستچین نکند. من تاجایی که توانسته‌ام سعی کرده‌ام با اخلاق کار کنم. کارهایم هم همه جهادی بوده است. در کنار آن، گاهی هم گزینه‌ها را مشاوره و راهنمایی کرده‌ام. خط قرمز من ازدواج موقت و چند همسری است، نه اینکه جبهه بگیرم. در تخصص من نیست وارد نمی‌شوم.

نباید. همیشه درباره فرزندآوری صحبت می‌شود و برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند ولی شرایط ازدواج را تسهیل نمی‌کنند. مادر همین گروه‌ها کلی زن و مرد داریم که به خاطر هزینه‌های زندگی از هم جدا شده‌اند. مشکل دهه ۷۰ و ۸۰ هم برای ازدواج همین بحث‌های اقتصادی و شغل است که تن به ازدواج نمی‌دهند. برای همین، بخشی از فعالیت‌م را سمت کارآفرینی هم برده‌ام تا با ایجاد شغل جوانان راحت‌تر سمت ازدواج بروند. الان به خاطر همین مسئله شغل و درآمد خیلی از آقایان به دنبال دختر کارمند هستند.

**تالان
واسطه‌ازدواج
چند نفر شده‌اید؟**

از سال ۸۶ که جسته و گریخته در خانواده و اطرافیان واسطه‌گری می‌کردم ۵۰ ازدواج موفق داشته‌ام. وقتی شروع کردم، خودم یک بچه داشتم و می‌دیدم که خیلی از هم‌سن‌های خودم که بچه ندارند، حسرتش را می‌خورند. دوست داشتم هر کاری که از دستم برمی‌آید انجام دهم. البته که گاهی هم دلیل بالا رفتن سن دخترها خانواده‌ها بودند. دنبال شرایط ایده‌آل می‌گردند یا خواستگار به خانه راه نمی‌دهند غافل از اینکه آن دختر نظر دیگری دارد. بعضی از خانواده‌ها هم دخترهایشان را قایم می‌کنند و خیلی‌ها اصلاً خبر ندارند که فلان خانواده دختر مجرد دارد. همین فضای مجازی یکی از آفت‌های ازدواج جوانان است. خیلی از روابطی که آنجا شکل می‌گیرد مانع ازدواج می‌شود. قدیم ازدواج نکردن را بد می‌دانستند ولی الان به آن افتخار هم می‌کنند.

آقایان حاضر نمی‌شوند با دختری که تمام شرایط مطلوب را دارد ولی سن او بالا رفته ازدواج کنند. من موردی داشتم که خانم دکتری داشت و حاضر بود با مردی که جدا شده ازدواج کند. آقای هم بود که جدا شده و شغل آزاد و تحصیلات پایین‌تری هم از خانم داشت ولی چون سن خانم ۴۴ سال بود، نپذیرفت! در کشور ما تعریفی برای سن ازدواج وجود ندارد. خیلی‌هایم گویند دختر ۳۵ سال به بالا نمی‌خواهیم، حتی اگر پسر آن‌ها بالای ۴۰ سال باشد. الان موردی دارم که آقای هم حدود ۴۵ سال دنبال دختر ۲۷ تا سی ساله است. یا حتی آقایانی که جدا شده‌اند و با داشتن چند فرزند به دنبال دختر خانه با سن کم هستند و حاضر نیستند با فردی ازدواج کنند که شرایط یکسانی دارد.

**با این حساب شما
می‌گویید ازدواج
متولی می‌خواهد؟**

خلاً ازدواج در کشور ما از همین است که متولی مشخصی ندارد. البته که من قائل به این نیستم که همه باید ازدواج کنند زیرا ممکن است برای فردی هم کفوی نباشد ولی این برای همه که نیست! مشکل این است که به دختران هم‌دهه‌ای ما گفتند درس بخوانید و دانشگاه بروید. بعد گفتند یک کار و درآمد داشته باشید. بعد هم که دیگر هم کفوی نبود که ازدواج کنیم! متأسفانه خانه‌داری هیچ وقت به عنوان یک شغل شناخته نشد. از طرفی مسئولان ارزشی برای مادری و بچه‌داری در جامعه ماقائل نشدند که کار ما به اینجا رسید. خانم‌ها ترجیح دادند به جای خانه‌داری سراغ کارمندی بروند و دیر از ازدواج کنند چون خانه‌داری فرهنگ‌سازی نشد! من همیشه می‌گویم باید بچنینم که مشکل دهه‌شصتی‌ها برای دهه هفتادی‌ها پیش

بین گروه حدود ۳۰۰ نفر مضود دارد. البته بقیه گروه‌ها هم همین اندازه مضود دارد ولی تعداد اعضای خانم از آقایان بیشتر است و بیشتر فرم رای ازدواج دارند. یکی است که خانم‌ها به مثل خودشان باشد و من باعث می‌شود که خانم‌ها بالا بروند. خیلی از ست به من می‌گویند یک بخشی از بالا رفتن من گزینه‌های معلم، در زمان خودش، اگر را حتی می‌توانستند برای مجرد سن بالا از ت. وقتی می‌پرسم چرا متگاز خوب نداشتیم! جبه به توقعات بالایی

گاهی با خودم می‌گویم این شرایط باید بنشینم گریه کنم! یک بخش مسئله این است که خانم‌ها با کسی که تازه می‌خواهد شروع کند دیگر هم این است که

